

روایت‌هایی از پاتک زید

مصطفی زمانی فر



سلسله مصراع‌ها و آه‌ها

سرشناسه: زمانی‌فر، مصطفی

عنوان و نام پدیدآور: خانه عموحسین: روایت‌هایی از پاتک

زید / مصطفی زمانی‌فر

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۲۵۲ ص.: مصور.

ISBN: 978-600-03-5002-4

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: ایران - تاریخ - یزد، تاریخ‌نویسی

موضوع: یزد، تاریخ - سوره مهر

موضوع: سوره مهر - سوره مهر

رده‌بندی ده‌گانه: هنری استان یزد

رده‌بندی ده‌گانه: DSR1552/گ/۱۵۵۲

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۸۸

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۲۸۳۷۸۳



باسم
پاکستان
نظرسنجی
این کتاب
فهرست
نمایند

انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)
دفتر فرهنگ و مطالعات پایداری مراکز استانی /
استان بروج



www.sooremehr.ir

خانهٔ عمو حسین

روایت‌هایی از پاتک زید
نویسنده: مصطفی زمانی فر
ویراستار: مرگان علیزاده
طراح جلد: نوشین بیجاری

چاپ و صحافی: واژه‌پرداز اندیشه
چاپ اول: ۱۴۰۰
شمارگان: ۱۲۵۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۵۰۲-۴

نشانی انتشارات: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت،
پلاک ۳۳، تلفن: ۶۱۹۴۲، دورنگار: ۶۶۴۶۹۹۵۱
فروشگاه مرکزی: تهران، خیابان سمیه، نرسیده به خیابان
حافظ جنب حوزه هنری، پلاک ۲۴۵، تلفن: ۸۸۹۴۹۷۹۱-۲
فروشگاه انقلاب تهران، خیابان انقلاب، میدان انقلاب،
جنب سینما بهمن، پلاک ۱۰۰۲، تلفن: ۶۶۴۷۶۵۶۸-۹
فروشگاه اصفهان: اصفهان، میدان انقلاب، سینما ساحل،
کدپستی: ۸۱۳۳۶۱۴۵۱۱، تلفن: ۰۳۱-۳۲۸۷۷۳۵-۶

Sooremehr.ir

Mehrak.ir

@Sooremehr

۶۶۴۶۰۹۹۳ (پنج خط)

۱۵۸۱۵-۱۱۴۴

۳۰۰۵۳۱۹

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

دانلود کتابخوان سوره مهر

با وارد کردن کد تخفیف hisama در اولین خرید
خود از کتابخوان سوره مهر ۵۰٪ تخفیف بگیرید.



فهرست

۹	مقدمه
	فصل اول
۱۷	آوردگاه زیبا
	فصل دوم
۸۵	خانهٔ عموحسین
	فصل سوم
۱۱۵	تیپ همیشه پیروز
۱۹۳	آلبوم تصاویر
۲۰۹	شهدای دلاور حملهٔ عراق در ۱۳۶۳/۷/۲۵
۲۳۹	اسناد
۲۴۹	منابع

مقدمه

اواخر سال ۱۳۹۶، طی هماهنگی که با دوستانم در حوزه هنری استان یزد انجام دادم، صحبت از روایت رخدادی مهم در دوران هشت ساله دفاع مقدس در ارتباط با تیپ مستقل ۱۸ الغدير^۱ به میان آمد. کارنامه این یگان در طول نبرد کشور ما با رژیم بعثی صدام، پر از مواردی بود که می‌شد برای آگاهی پیر و جوان از آن نوشت و قلم را به چرخش درآورد. مثلاً حضور مستقیم در عملیات‌ها، پدافند در مناطقی که به حضور بلندمدت و حفظ خط نیاز بود، اعزام‌هایی که به جبهه‌های غرب و جنوب و شمال غرب داشتند، و مواردی از این دست.

در این میان حضور تقریباً چهارماهه تیپ مستقل ۱۸ الغدير در منطقه عمومی کوشک و خط پدافندی زید نظر ما را به خود جلب کرد. البته رویدادی برجسته و درخور توجه در این مدت کافی بود که برای شروع کار حجت را تمام کند و آن چیزی نبود جز ایستادگی و دفاع جانانه یزدی‌ها در ۲۵ مهرماه ۱۳۶۳ در برابر پیشروی تقریباً غافلگیرانه، سریع، همراه با حجم آتش زیاد دشمن بعثی که به

۱. عنوان رسمی تیپ در طول دوران دفاع مقدس، «تیپ مستقل ۱۸ الغدير» بود؛ منتها در اغلب مکاتبات آن زمان، آن را «تیپ ۱۸ الغدير» می‌نامیدند. حتی در ابلاغ مأموریت به تیپ از طرف قرارگاه، عنوان تیپ ۱۸ الغدير استفاده شده است.

خواری برگشتن و به جا گذاشتن تلفات زیاد آن‌ها انجامید. ماجرای این روز خاص آن‌قدر مهم بود که آقای محسن رفیق‌دوست، وزیر سپاه در آن سال‌ها، وقتی برای مراسم تشییع شهدای پاتک زید به یزد آمد، در سخنرانی‌اش عنوان «پیروز» را به تیپ مستقل ۱۸ الغدير افزود و از آن به بعد شد تیپ «پیروز مستقل ۱۸ الغدير».

بازخوانی دقیق و جزئی این حضور و پاتک تیپ در آن روز خاص نیاز به برنامه‌ریزی دقیقی داشت. لازم بود داشته‌های ما و آنچه باید با تحقیق و بررسی به دست آورد، مشخص شود. در ماه‌های ابتدایی سال ۱۳۹۷، قبل از هر چیز به سراغ ارگان‌های مرتبط با دفاع مقدس و این موضوع رفتیم؛ تیپ ۱۸ الغدير یزد، اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان یزد، مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، بسیج سپاه الغدير استان یزد، و کسانی که می‌توانستند برای ارائه روایتی مستند و دقیق‌تر به من کمک کنند. این مراجعات صد البته که بسیار سودمند بود. خدا را شکر همکاری خوبی انجام شد و استقبال کردند.

با پیگیری که انجام شد، از آن مقطع زمانی در سال ۱۳۶۳ و آن روز خاص مستندات خوبی از قبیل اسناد و نامه‌های مکتوب (ابلاغ مأموریت، گزارش‌های نوبه‌ای و روزانه عملیاتی، گزارش حمله ارتش بعث عراق در ۲۵ مهرماه ۱۳۶۳ و بعضی از مکاتبات با قرارگاه)، کالک منطقه، چند فیلم مصاحبه با فرماندهان و مسئولان این تیپ در آن زمان، و بخشی از فیلم مراسم تشییع جنازه شهدا در یزد در اختیار بنده قرار گرفت. لازم بود اسناد را به صورت جزئی مطالعه و بررسی کنم، مصاحبه‌ها را به دقت گوش بدهم، فیلم‌ها را ببینم، و کالک منطقه را به صورت گویاشده دریاورم. این کار با

صرف وقت مناسب تقریباً یک ماهه انجام شد و طرح اولیه‌ای از کاری که باید انجام می‌شد شکل گرفت.

در مرحله بعدی به سراغ کتاب‌هایی رفتم که از این منطقه و پاتک زید و خاطرات افراد نوشته شده بود؛ کتاب‌هایی مثل خط‌شکن کویر (خاطرات محمدمهدی فرهنگ دوست)، مأموریت آنی (خاطرات احمد خواستار)، چشم‌های آسمانی (خاطرات جواد کمالی)، موقعیت جهاد اکبر (در ارتباط با فعالیت‌های مهندسی رزمی تیپ مستقل ۱۸ الغدیر)، رهایی در هور (روایتی از زندگی شهید حاج ابراهیم جعفرزاده)، گنج تمام‌نشدنی (اطلاعات کاربردی دفاع مقدس استان یزد)، و چند کتاب دیگر. مطالعه این کتاب‌ها، البته با نگاه پژوهشگرانه و دقیق، باعث شد تا روایت‌های مختلف افراد راجع به موضوع را بشناسم. به طبع درست بودن تمامی آن‌ها را نمی‌شد تشخیص داد؛ چون گاهی مغایرت‌هایی وجود داشت و این وظیفه مرا بیش از پیش سنگین می‌کرد. بعد از این مرحله، شاه‌کلیدهایی که می‌توانست نقش زیادی در بهتر انجام شدن کار داشته باشد به دست آمد؛ مثل موقعیت حساس منطقه، نزدیکی فاصله خط خودی و دشمن، جنگ آب و پیشروی لحظه‌به‌لحظه آن، تونلی که در منطقه و در دل دژ مرزی عراق حفر شد و نقشی که داشت، و اتفاقاتی که افراد در صحبت‌ها و خاطراتشان به آن اشاره کرده بودند.

از آنجا که بعضی افراد به دلیل مسئولیتی که آن زمان در این تیپ بر دوششان بود و نیز قرار گرفتن در متن جریان تک و پاتک ۲۵ مهرماه ۱۳۶۳ اهمیت بیشتری پیدا می‌کردند، به سراغشان رفتم تا کمک‌حال من در این پروژه باشند. اولین شخص سردار محمدمهدی فرهنگ دوست بود که آن زمان مسئولیت مرکز حفظ آثار و نشر

ارزش‌های دفاع مقدس و بسیج سپاه الغدير استان يزد را برعهده داشت. او در آن زمان و در ابتدای مأموریت تیب، فرمانده یکی از گردان‌های مستقر در خط بود که در ادامه تا پایان کار مسئولیت فرمانده محور عملیاتی و جانشین طرح و عملیات تیب هم به عهده‌اش گذاشته شد. به دلیل حافظه خوب و به یاد داشتن جزئیات وقایع، که در کتاب خاطرات و روایت‌های ایشان از جنگ مشهود است، سابقه مسئولیت‌های متعدد در پست‌های عملیاتی و فرماندهی و اجرایی از زمان جنگ تاکنون و مدیریت و فرماندهی صحیح نیروها در روز حمله عراق و شجاعت و شهامت که او و رزمندگان حاضر و درگیر در آن ماجرا از خود بروز دادند، و نیز محور بودن ایشان در این صحنه‌گزینه من کاملاً شایسته بود.

سردار فرهنگ‌دوست در طی این پروژه هر جا که لازم بود، از تحقیقات اولیه تا شناسایی افراد دخیل در ماجرا، بدون هیچ چشمداشتی یاریگر من بودند. به کمک ایشان، لیستی از افراد تأثیرگذار و دخیل در مأموریت و حاضر در روز دفع تک عراق تهیه شد. اطلاعات اولیه این نفرت را به دست آوردم تا به مهم‌ترین بخش پروژه وارد شوم. اکنون نوبت به مصاحبه رسیده بود.

قبل از مصاحبه با افراد، تعدادی سؤال طراحی و نوشته شد تا صحبت‌های هر نفر در چارچوب خاصی پیش رود و بحث‌های حاشیه‌ای و اضافه نداشته باشیم. همان مسائل مهم و کلیدی، که قبلاً اشاره شد، مدنظر قرار گرفت. دعوت افراد جداگانه و یک‌به‌یک انجام شد. بیشتر مصاحبه‌ها در حوزه هنری استان يزد و تعدادی هم در تیب ۱۸ مردم‌پایه الغدير و مکان‌های دیگر مثل منزل افراد به صورت صوتی ضبط شد. به دلیل سکونت بعضی از دوستان در

شهرستان‌های استان یا حتی استان‌های دیگر، گریزی نبود که بار سفر ببندم و به محل آن‌ها بروم. افراد دعوت‌شده مسئولیت‌های متعددی - از جانشین فرمانده تیپ و فرمانده گردان و مسئول واحد گرفته تا رزمندگان و بسیجیان عادی - در آن زمان داشتند.

حین مصاحبه‌ها، به تدریج ذهن من هم - در جایگاه یک نویسنده، محقق، و پژوهشگر حوزه جنگ - در برابر موضوع روشن‌تر می‌شد و ابهامات و علامت سؤال‌ها از بین می‌رفت. بعضی از افراد دعوت‌شده نفرت دیگری را معرفی می‌کردند که هر جا لازم می‌شد سراغ آن‌ها هم می‌رفتم و مصاحبه می‌گرفتم. عمده مصاحبه‌ها طی حدود شش تا هفت ماه انجام شد. البته هنگام تدوین و نوشتن نهایی کتاب، اگر نیاز بود، تلفنی یا حضوری دوباره مصاحبه می‌گرفتم. مشکلی که در این بخش داشتم این بود که بعضی از افراد به رغم نقش و مسئولیت مهمی که در ارتباط با این موضوع داشتند، با وجود چندین بار پیگیری و دعوت، به هیچ وجه حاضر نشدند مصاحبه کنند. قضاوت درباره درستی یا نادرستی کارشان را به تلویخ واگذار می‌کنم. پیاده‌سازی فایل‌های صوتی هم‌زمان با مصاحبه‌ها و بعد از آن انجام می‌شد، تا اینکه به پایان رسید. حالا نوبت این بود که با این حجم زیاد اطلاعات و داده‌ها - از قبیل اسناد، فیلم، کالک، و مصاحبه‌های پیاده‌شده - شیوه‌ای برای روایت صحیح ماجرا و تدوین نهایی کتاب انتخاب کنیم که هم برای خواننده جذاب باشد و هم جنبه مستند و علمی بودن آن حفظ شود.

یک روش این بود که فردی را که نقش محوری و کلیدی داشته است انتخاب کنیم و تمامی اتفاقات از زبان او نقل شود. چنین چیزی امکان نداشت؛ چون در مدت حضور تیپ مستقل ۱۸ الغدير

در خط پدافندی زید، افراد و واحدهای رزمی و پشتیبانی متعددی حضور داشتند و نقش هر یک در جای خودشان اهمیت داشت. نکته دیگر اینکه یک نفر نمی‌توانست در تمام مقاطع به طور هم‌زمان حاضر باشد و همه اتفاقات را نقل کند.

راهکار دوم روایت ماجرا از زبان بنده به عنوان کسی بود که بعد از تحقیق و پژوهش و زحمت زیاد، توانسته تسلط خوبی به موضوع پیدا کند و زیر و بم آن را تا حد زیادی بشناسد. این کار شدنی به نظر آمد. امکان روایت همه اتفاقات و خاطرات این خط پدافندی در مدت حضور چهارماهه تیپ مستقل ۱۸ الغدیر یزد به دلیل گسترده بودن حجم کار و تعداد زیاد نفرات دخیل در آن در این مجال ممکن نبود. بنابراین، تک عراق در ۲۵ مهرماه ۱۳۶۳ و دفع بلافاصله و جواب دندان‌شکن رزمندگان یزدی به این حرکت مذبوحانه دشمن محور و اصل کار ما قرار گرفت.

در فصل اول کتاب، روایتی براساس واقعیت و به صورت کاملاً مستند، که از دل اسناد و مصاحبه‌ها بیرون آمده و شکل گرفته است، شما را با نحوه حضور تیپ مستقل ۱۸ الغدیر در خط پدافندی و چگونگی چینش و استقرار نفرات و واحدهای حاضر و فعال در منطقه و بعضی اتفاقات آشنا خواهد کرد. فصل دوم به نقش تونل کنده‌شده در منطقه و بعضی از خاطرات درباره آن و البته شخصیتی مثل مرحوم حسین میرجهانی (عموحسین) می‌پردازد. بالاخره فصل سوم روایتی است از پاتک پیروزمندانه رزمندگان تیپ مستقل ۱۸ الغدیر یزد و اتفاقاتی که در آن روز به‌خصوص رخ داد و برای همیشه در تاریخ کشور و دفاع مقدس جاودانه شد. چه خوب است در آخر این مقدمه یادی کنیم از شهدای دلاور

پاتک زید که اسامی آنها در کتساب هم آمده است و نیز همهٔ رشادت‌هایی که بچه‌های رزمنده با عشق و ارادت به اهل بیت (علیهم‌السلام) و امام خمینی (ره) در آن سال و آن روز از خود به جای گذاشتند. در پایان بر خود لازم می‌دانم از همهٔ کسانی که به نوعی بنده را در اجرای این کار پشتیبانی و حمایت کردند و باعث شدند این کار بر زمین مانده به انجام برسد به صورت ویژه تشکر کنم: سردار فرهنگ‌دوست، استاد قاسمی‌پور (مسئول دفتر فرهنگ و مطالعات پایداری استان‌های حوزه هنری)، آقایان کوچک‌زاده (رئیس حوزه هنری استان یزد)، حسام سالکی (معاون فرهنگی حوزه هنری استان یزد)، خانم فتاحی که زحمت پیاده کردن مصاحبه‌ها را کشیدند، محمدمهدی روح‌پرور که اطلاعات و اسناد بسیار خوبی در اختیارم گذاشتند، علی اصغر باقری (فرمانده وقت گردان تخریب تیپ مستقل ۱۸ الغدیر)، جواد کمالی (مسئول وقت واحد اطلاعات عملیات تیپ مستقل ۱۸ الغدیر)، محمدعلی همتی (نویسنده و مسئول مرکز اسناد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و بسیج سپاه الغدیر استان یزد)، و محمدرضا کلانتری (نویسنده و پژوهشگر دفاع مقدس). دست همهٔ عزیزانی را هم که بر بنده منت نهادند و با وجود مشغلهٔ زیاد در مصاحبه‌ها حاضر شدند می‌بوسم و از آنها سپاسگزارم. امیدوارم در حد توان توانسته باشم موجبات رضایت شما خوانندگان گرامی را فراهم کنم.

مصطفی زمانی‌فر

تابستان ۱۳۹۹